

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: مارکسیست لنینیست امروز
برگردان از: آمادور نویدی
۲۱ فبروری ۲۰۲۱

هوش مصنوعی، اتوماسیون و پایان سرمایه داری!؟

آیا اتوماسیون نمایانگر پایان سرمایه داریست؟



از آنجائی که در آینده تکنولوژی جایگزین نیروی کار انسان می‌گردد، سرمایه داری به طور «اتوماتیک» و بسادگی به یک سیستم «پساکسایه داری» یا سوسیالیستی تغییر نمی یابد. کتابخانه یادبود مارکس توضیح می‌دهد که، برای پایان دادن به سرمایه داری یک اقدام آگاهانه و جامع از طرف «تعداد بی‌شماری»، بخوان طبقه کارگر ضروری است. اتوماسیون- به عنوان مقدمه ای از تکنولوژی تعریف شده است که با یک روند (فیزیکی یا اطلاعاتی) بتواند با کاهش قابل توجهی از کار انسانی تحقق یابد - و این امر ریشه های ژرف تاریخی دارد. دو هزار سال پیش، هرون آلکساندریا موتوری را اختراع کرد که بتواند درهای معبد را باز کند تا بدین وسیله نمازگزاران باور کنند که خدایان درها را بدون دخالت انسانی به حرکت درآورده اند. اما از این قدرت حرکت دادن برای هدف تولیدی استفاده نشد - چرا وقتی که برده هائی جهت انجام کار وجود داشت، نگران خودکار کردن می‌شدند؟ در مقابل، تحت سیستم سرمایه داری، جابه جائی یا روتین سازی از نیروی کار انسانی برای کسب سود عامل اصلی نوآوری بوده است. در مانیفیست کمونیست، مارکس و انگلس بر پویائی تکنولوژی درون سرمایه داری تأکید کردند. «به روز رسانی» پیوسته ابزار تولید منجر به تغییر در روابط تولید می‌گردد و همه چیز را بی ثبات می‌کند. روابط تولید، مؤسسات، حتی ایده هائی که به نظر ثابت می آیند، قابل تغییر هستند. اگر شاعرانه بگوئیم: «همه چیز هائی که جامد هستند، در هوا ذوب می‌شوند».

مارکس در دفتر یادداشت‌هایش جهت آماده کردن اثر بی‌نظیر خود، کاپیتال (کتاب سرمایه) نوشته بود، چیزی که در مورد یک جامعه کاملاً خودکار سرمایه داری ممکن است معنا دهد: «گرایش ضروری سرمایه به افزایش نیروی تولیدی کار و حداقل کار لازم است، ... تغییر شکل ابزار کار به ماشین آلات، تحقق این گرایش است».

مارکس ابتداء به فکر تولید ماشین آلات فزاینده در کارخانه (البته با کمی کمک از «دست‌ها») بود، کالاهایی که قبلاً صرفاً «توسط دست»، اغلب در کلبه های روستائی تولید شده بودند.

اما همان‌گونه که مدیر سابق بانک انگلیس مارک کارنی نظاره کرد: «اگر شما اصولی را برای کارخانه های نساجی، یادگیری دستگاه‌ها را برای ماشین‌های بخار، و توئیتر را با تلگراف جایگزین سازید، شما درست همان پویایی را خواهید داشت که ۱۵۰ سال پیش وجود داشت - زمانی که کارل مارکس در اتاق مطالعه کتابخانه بریتانیائی مانیفیست کمونیست را می‌نوشت».

خود مارکس استدلال می‌کرد که درون سرمایه داری، تکنولوژی در یک سیستم اتوماتیک ماشینی به اوج خود می‌رسد [...] که با یک ماشین خودکار تنظیم شده و با قدرتی متحرک خودش را به حرکت در می‌آورد [...] به گونه ای که خود کارگران صرفاً به عنوان پیوندهای آگاه آن شکل می‌گیرند».

وی ادامه داد:

«نیروی کار دیگر به نظر نمی‌رسد که خیلی زیاد در پروسه تولید درگیر باشد؛ ترجیحاً انسان بیش‌تر به عنوان یک ناظر و تنظیم کننده به خود پروسه تولید مرتبط می‌شود [...] هرچه زودتر نیروی کار در شکل مستقیم متوقف گردد که دیگر منبع بزرگ ثروت نباشد، دوران نیروی کار به پایان می‌رسد و باید اقدام آن پایان گیرد [...] سرمایه داری بدین‌گونه به سوی انحلال خود به عنوان شکلی کار می‌کند که بر تولید مسلط است».

بسیاری بخش اول این نقل قول را یک پیش‌گویی فوق العاده از حتمی شدن هوش مصنوعی، و بخش دوم را، تجزیه و تحلیل عواقب آن برداشت کرده اند؛ که چگونه ما می‌توانیم درباره تئوری ارزش کار صحبت کنیم، وقتی که انسان‌ها با ماشین‌ها جایگزین شده اند و نیروی کار انسان به صفر می‌رسد؟

یا، بیش‌تر آخرالزمانی: وقتی که مردم با ماشین‌ها جایگزین شده اند، چه کسی باقی می‌ماند (یا آن‌ها از کجا دست‌مزدشان را می‌گیرند) تا کالاها و خدماتی را بخرند که ماشین‌ها تولید کرده اند؟ آن‌چه را که امروز اقتصاددانان «ارتدوکس» می‌نامند به وجود خواهد آمد - «کمبود تقاضای مؤثر» - یک بحران کم مصرفی.

اجازه دهید دوباره از کارنی بشنویم: نقل قول وی در بالا، ادامه داد: «اگر این دنیای مازاد نیروی کار اتفاق بیفتد، ممکن است که مارکس و انگلس دوباره مطرح بشوند».

البته که کارنی یک مارکسیست نیست، اما وی و دیگران بروشنی چیزی را که مارکس و انگلس درباره اتوماسیون نوشتند و تضادهائی را که درون سرمایه داری ظاهر می‌شود، درک می‌کنند.

راه حل پیشنهادی کارنی برای شرکت‌ها، دانشگاه‌ها و دولت‌ها اینست که که احتمال تأثیر تکنولوژی برای کارفرماها را مطالعه کرده و کارگران خود را برای تغییرات آینده و جهت مشاغلی که مستلزم به «هوش احساسی بالاترست»، - مانند بخش‌هایی سرگرم کننده (تفریحی، گردش‌گری، توریستی) و مراقبت‌های پزشکی (کمک به سالمندان، بیماران)، همچنین برنامه های عملی ایجاد کارگماری (اشتغال) در خدمات و تولیدات سفارشی آماده سازند.

اما کارنی نگفت که چگونه این ابتکار ممکن است تأمین شود. پاسخ‌های قبلی استدلال کرده اند که تغییر به اقتصاد خدماتی در مرکز قلب کلان شهرهای پایتخت - جامعه مفروض «پسا صنعت» - بر پشتوانه مالی اقتصاد جهانی و تغییر تولید فزاینده اقتصادی با دست‌مزد پائین در به اصطلاح جهان «در حال توسعه» تأمین شده و در امان است. این پروسه

توسط لنین (به ویژه)، در بیش از یک قرن پیش پیش‌بینی شده بود، اما از اواسط سال‌های ۱۹۷۰ فوق العاده شتاب گرفته است.

به علاوه، همان‌گونه که مارکس تأکید کرد، هیچ چیز «اجتناب ناپذیری» در مورد سقوط سرمایه داری یا درباره استفاده از تکنولوژی یا عواقب آن‌ها وجود ندارد. همه درگیر انتخاب‌ها هستند؛ و هرجائی که یک انتخاب وجود دارد، جایگزین‌هایی وجود دارند.

مارکس تکنولوژی را در درون سرمایه داری دید، نه فقط به عنوان ابزار (تولید) افزایش سود، بلکه همچنین درباره کنترل-کنترل بر پروسه کار و، جابه جا کردن کارگر، کنترل روند مستقیم کار، از جوشکاری و برداشت محصول توسط روبات‌ها گرفته تا از طریق خدمات خودکار صندوق سوپرمارکت‌ها و سفارشات آنلاین جهت خدمات حسابداری و مالی.

مارکس اظهار داشت: «اما ماشین آلات فقط به عنوان یک رقیب برتر در برابر کارگر عمل نمی‌کند، که همیشه او را اضافی بسازد. این قدرتی مخرب علیه اوست و سرمایه این واقعیت، و همچنین استفاده از آن را با صدای بلند و عمداً اعلام می‌کند». برای مارکس این «قدرتمندترین سلاح جهت سرکوب اعتصابات، آن شورش‌های متناوب طبقه کارگر علیه خودکامگی سرمایه» بود.

امروز، تکنولوژی همچنین درباره کنترل مصرف کننده است، از کارت‌های اعتباری گرفته تا تبلیغات پیش‌بینی کننده بر مبنای عادات خرید گذشته. و این همچنین درباره یک برنامه گسترده تر جهت کنترل اجتماعی است.

آنچه بعضی از استدلال‌ات در مورد آخرین تحولات هوش مصنوعی انجام داده اند، اینست که تضادهای بین آنچه هست و آنچه را که می‌تواند باشد، برجسته کرد.

مارکس استدلال کرد که در درون سوسیالیسم، تکنولوژی را می‌توان «به نفع رهایی کار و شرط رهایی آن به کار گرفت».

انسان‌ها، زمانی که از یوغ کار سرمایه داری رهایی یابند، ابزارهای جدیدی از افکار و همکاری اجتماعی را خارج از رابطه مزدی که اغلب فعل و انفعالات ما را تحت سرمایه داری شکل می‌دهد، گسترش می‌دهند.

اغلب، این سؤالات پرسیده می‌شوند: باتوجه به پتانسیل عظیم هوش مصنوعی جهت جایگزینی کارهای خسته کننده، تکراری و خطرناک و برای ساخت و دسترسی چیزهایی که قبلاً از وظایف فکری و فیزیکی تخصصی بودند، چرا اوقات فراغت رشد نیافته و مرزها بین آن «کار» مثل همیشه سخت است؟ چرا، علی‌رغم افزایش فوق العاده در بهروری، سن بازنشستگی افزایش یافته است؟ چرا نابرابری و فقر در حال افزایش است؟ چرا پتانسیل رهایی بخش فن‌آوری اطلاعات با واقعیت نظارت پنهان و جمع آوری داده‌ها جهت سود توسط گوگل، فیسبوک و امثالهم به سمت کنترل استبدادی می‌رود؟

تهدید واقعی هوش مصنوعی و یادگیری ماشین آلات فقط جابه جایی مشاغل توسط روبات‌ها نیست، بلکه تحکیم قدرت کورپرات (شرکت‌های بزرگ) است. مشکل (پیش روی) چپ‌ها نسبت به این امر، توسعه ستراتیژی‌های مناسب جهت مقابله با این مشکل است.

استدلال عمومی درباره عواقب هوش مصنوعی و اتوماسیون از نظر اتوپی (آرمان‌شهری - مدینه فاضله) یا دیستوپی (بی‌عدالتی - پساآخرالزمانی) تمایل دارد که بی‌خیال باشد. بحث سیاست تمایل دارد در مقابل بر پاسخ‌ها تمرکز کند - به طور کلی بر آموزش و پرورش، مهارت جدید، نیاز به باقی‌ماندن رقابت با برداشتن موانع جهت اتخاذ هوش

مصنوعی و نصایح مبهم تر که «ما» باید اطمینان خاطر کنیم که منافع بالقوه تحقق یافته و عادلانه به اشتراک گذاشته شود.

واقعیت اینست که فن‌آوری اطلاعات و اتوماسیون بزرگترین تضاد امروز سرمایه داری است. آن‌ها مشکلات اساسی را در مورد تغییرات ساختاری درون سرمایه داری جهان و پاسخ ضروری جنبش چپ و کارگری مطرح می‌کنند. نه مارکس و نه انگلیس هرگز بیش از آنچه که مارکسیست‌های امروزی معتقدند که سرمایه داری «به طور اتوماتیک» سقوط خواهد کرد، یا خود را به شکلی کمتر استثمارگری تبدیل کند، استدلال نکردند. سرمایه داری همیشه قابلیت قابل توجهی جهت مقابله با دشواری‌ها نشان داده است، که البته همیشه به حساب افراد شاغل-کارگران بوده است. مشکل فن‌آوری اطلاعات - قدیم و جدید - نه به معنای پیش‌بینی کردن اتوپی و نه اجتناب از دیستوپی است، اگرچه هر دو جایگاه محدودی دارند. جایگزین‌های دیستوپی و اتوپی تمرکز مفیدی جهت بحث، تفکر و تعمق ارائه می‌دهد، اما نباید از مبارزات مانوس‌تر و فشرده جهت ساخت نیروی برای سوسیالیسم درون محیط‌های کار و جوامع - و البته، در پارلمان منحرف شود.

تغییر هنگامی به وجود می‌آید که مردم به اندازه کافی آن‌را به نفع امنیت خودشان ببینند. اتوماسیون، به ویژه هوش مصنوعی، تضادهای درون سرمایه داری را تشدید می‌کند و جایگزینی آن‌را حتی بیش از پیش ضروری می‌سازد. این امر سوسیالیسم را ضروری و کمونیسم را امکان‌پذیر می‌کند. این مقاله اولین بار در مورنینگ استار - سایت حزب کمونیست انگلیس منتشر شد.

برگردانده شده از:

DOES AUTOMATION SPELL THE END OF CAPITALISM?

| [Political Economy](#) | Dec 5, 2020 | [MLToday](#) Posted by

<https://mltoday.com>

<https://morningstaronline.co.uk/article/f/does-automation-spell-the-end-of-capitalism>